دريچه

منطقه برای پایتخت است البته در کویر هم جای فراوان است اما آن جا به درد زندگی نمی خور د. نوار اراک نا اصفهان موقعیتی دارد که می توان پایتخت را به آن جا انتقــال داد.در نامهای که من به شــورا یعالی امنیت ملی نوشتیم، چند پیشنهاد وجود داشت: ۱ -منازل افراد موثر کشور رامقاوم کنید۲-برای شهر تهران ستادبحران ایجا کنید ۳–اگر امکان دار د پایتخت را انتقال دهید. (ســال ١٣٧۶)این پیشنهادات برای شور ایمالی امنیت ملی بخش امنیت داخلی ارایه شد که البته این موضوعات آن زمان

محرمانه بوداما امروزاینچنین نیست. • برخی معتقدند صحبت درباره زلزله ترس به همراه دارد. نظر تان دريار وابن موضوع جيس

ترس چیز خوبی است؛ ترس باعث میشود فکر کنیم، طرح داشته باشیمو برنامه بریزیم.ایجاد ترس، به این معنا نيست كه موضوعاتي نادرست را به مردم القاكنيم و آنها را به تلاطم بيندازيم. ترس خوب است به اين شرط كه اقدام هم پشت آن باشد و فقط ترس بدون اقدام را گسترش » در زمینهز لزله بایدبیش از ا

## .هیم.در زمینهز لزله باید بیش از این ترسید. •از اقداماتی که در زمینه زلز له انجام شده ام رضایتدارید؟

.. بەنظرمن براى شھر تھران و شھرھايى كەبدون حس و کتاب در حال بزرگ شدن هستند، اقدامات انجام شده، و فوق العاده منفی است. ما باید سعی کنیم شهر ها را بدون طرح و برنامه بزرگ نکنیم و اگر نیازی به گسترش وجود دارد، شهر کهایی را در نزدیکی شهرهای بزرگ تدارک ببينيم. اگر دقيق شويم، ميبينيم در كوچەهاي باريك، ساختمان های بلند مرتبه ساخته شده و همان طور این ساخت و سازها ادامه دارد.معلوم نیست اگر زلزله ای رخ دهد، چه اتفاقی خواهد افتاد. شـــهر تهران در زمانی گاز نداشت اما بعدها لوله های گاز در دل تهران خُوّابیا در مسجد سلیمان متولد شدم این شــهر از همان ابتدا لولُه کشی گاز و آب داشت. اما زمانی که مُنْ بعدها برای ود علی درو ب دست. درمایی د سر بین برای نحصیل بــه تهران آمدم بــا تانکر و از این قبیل وســایل آبرسانی میشد، چرا؟ چون برنامهای برای این شهر وجودنداشت. اما مسجد سلیمان به آن کوچکی این امکانات را داشــت. خانه های مسجد ســلیمان چرا با آن امكانات را داستند. عندندی ... استحكام ساخته شــده بود؟ شــركت نفت در آن زمان برای این شـــهر رفاه ایجاد کرده بود تا کارگرانش با طیب بری بی سهر راحت و ایمن باشیند و برای انگلستان خاطر کارکنند و راحت و ایمن باشیند و برای انگلستان نفت استخراج کنند اما تهران این چنین نبود. چرا باید الان که سال ۱۳۹۳ است در تهران طرح «آگوه اجرا شود ىليمانى كەمن در آن متولد شدم در آن زمار اگو» داشت؟ این مسائل نشــان میدهد این نارساییها برای این است که بارها و بارها چنین مواردی پشت گوش انداخته شده و برنامهای برای توسعه وجود نداشته است. من ســوالهای زیادی در این زمینه دارم مشــکلات در تهران کم نیسـت اگر به یاد بیاورید تازه از اول انقلاب به بعد گازرسانی در تهران آغاز شد. شبکه آب تهران فرسوده است و مطابق آمارهای رسمی ۳۰ در صداز آب تلف می شود. به جرأت می گویم نیمی از خانه های تهران ناامن

یژوهش هایی درباره موانع مشار کت اجتماعی و... صور ت

گرفته ولی هیچ کدام عمیقا وارد این تمایزات و تجربه های بومىازانجام كنشهاىداوطلبان

، هاجازه دهید که من هم مقول هاهدای عضورا به مثال های شمااضافه کنم، اوجد گر خواهی داوطلبانه

به شکلی که معمولا پیش از این که فرد آهداکننده بهمرگمغزی دچار شود، کسی از آن باخبر نیست.

دقیقًا البته من در این جامی خواهم از یک وضع پارادوکسیکال یادکنم در جامعهای کهاهدای عضوو خون در مقیاس وسیع صورت می گیرد، شاهداین هستیم که در

خيابان خشونتانجام مىگيردو آدمها به آنچه كه اتفاق مىافتد، فقط نگاه مىكنند. پژوهش مىتواند پاسىخى

برای چرایے این وضع متناقض بیابـــد که چطور آدمهای

اهداکننده عضو که به این سطح از شعور اجتماعی رسیده اند که کنش عادی را رها کرده و وارد کنش داوطلبانه ای با این

عظمت شوند، هَنْگام بروز جُرَمُ در خِيابان بي تفاوتند اين تضادها نشان دهنده مسألهمندي كنش داوطلبانه است.

ولی تجربههای شخصی من می گوید که در ممالک غربی بهرغم این که پیشـینه فرهنگی قدر تمنـدی در زمینه

تحقق كنش هاى داوطلبانه وجود ندارد، اين نوع تضادها

خیلی کمتر دیدہ می شود.مانیاز مندمقاصدی هستیم که سازندہ کنش داوطلبانه مستمر باشند. مثلا این که افراد با

به رفتاری تکرار شونده تبدیل نشده است.از عوامل اصل

بدهم، باید بگویـــم، از این منظر هر پدیــده اجتماعی صورت اســتقرار نهایی به پدیدهای کارآ مبدل میشــ

صحُبت از مزایساًی کنش داوطلبانیه در فرهنگ در حال گذار ما با توجه بیه آن که این پدیده استقرار نیافته و به گذار ما با توجه به آن که این پدیده استقرار نیافته و به رفتارهای نهادی تبدیل نشده، زود است. اما زمانی که

ر در این به ای بینی است. کنش داوطلبانه استمرار یافت، مزایایی نیز خواهد داشت. از جمله این که فرد احساس امنیت اجتماعی خواهد کرد.

چُون مطمَّئن است که اخلاقی وجود دارد و بر روابط حاکم است که انسان ها را در مقاطعی که فرد به کمک احتیاج

دارد، مجبور می کند کنش های عادی خود را که مبتنی بر

منافع شخصی است، کنار بگذارند و اقداماتی انجام دهند که امنیت دیگران ذیل این کنش ها تضمین شـود. وقتی

کنش داوطلبانه در جامعه مستقر باشد، نیرویی جز وجود احساس امنیتاجتماعی برای کنترل امنیت، موردنیاز

نخواهد بود و این نیرو به صورت خود کار ایجاد می شـود.

مزیت دیگر ( یک کرز ، تر کر - کر کر ، کر مابه صورت گروهی مزیت دیگر این است که توان انجام کارها به صورت گروهی ایجاد می شـــود. اگر انگیزه خلق کنش های داوطلبانه در

اجتماعىچيست؟

است. آقای آخوندی وزیر راه و شهر سازی همین چندوقت اخیرازافزایش بافت فُرَسُوده در ایسران خبر داد و گفت: ۱۸ میلیون نفر از ایرانیان در بافتهای فرسوده زندگی میکنند وزیر بهداشتهممی گوید تمام بیمارستانهای نهران (و حتى كشور ) چنان عمر بالايي دارند كه بازسازي م افاقه ندارد و خودشان به معضل تبدیل شدهاند. اینها درددل های من است.

### ماً دردٌ دل هــای زیــادی داریــد. مــا هــ ـنيدن در ددل های شــما به عنــوان پدر \_رای شـ زلزلهشناسی ایران باشماگفت و گومی کنیم.مار ااز يدن اين در ددل هامحروم نکنيا

درددلهایم زیاداست. موضوعی که باید به آن توجه نیم این است که آدمهای کاردان بر مسسد این امه. کنیم این است که آدمهای کاردان بر مستند این امور بگماریم واگر افراد متخصص و کاردان با بودجه مناسب در این زمت ۲۵ کنند ا رین ہے۔ یت که آدم های کاردان بر می ، راین زمینــه کار کننداین آدمهای دلسـوز می توانند کارهای بزرگی انجام دهنــداگر این چنین می بود دیگر مشاهده نمی کردیم در کوچهای ۸ متری بیشمار ساختمان بلندمرتبه، مجوز ساخت بگیرند در همین میدان هروی که من زندگی می کنم شاهدم که در حیاط ۔ بن روں ساختمان های بلند، دوبارہ مجوز ساخت ساختمان دادہ شدہ است. حتی بخشے از آنھا مجوز ساختمان تجاری گرفتهاند. اینها مشاهدات من است. بیایید تا تعداد زیادی ازاين ساختمان ها كه حياط وباغچه شان به محل تجاري ببديل شده را نشان تان بدهم خودتان هم احتمالا بهتر ز من از این موضوعات اطلاع دارید اما متاسفانه گاهی برای مامتخصصان دربارہ موضوعاتی که مطرح می کنیم اری منع ایجاد می کنند. گاهی برای رسانه ها هم محدودیت ایجاد می شود که این موضوعات را باز تاب ندهند. در این وضع کاری نمی شود کرد. من حدود ۵۰ سال است که درحال دادزدن هستیم از طریق روزنامه ها و رسانه های دیگر صدایم را به گوش مردم می رسیانی. الان که خوب است در زمان شداه، برنامه های تلویزیونی زیادی از م بط شــداماجلوی پخش آن را گرفتند به این بهانه که . مردم میترسیند. من میگفتم ایجاد ترس چیز خوبی است. چه کسی گفتهبداست؟ ترس باعث میشوداقدامی نجام دهیم. البته من هم موافقم اگر کاری انجام نشود و عدهای که تخصص ندارند و به بهانهای ترس را اشاعه دهند بد است اما متخصصین با استدلال حرف می زنند واگر ترسی هم ایجاد شود آن را در صور تی خوب می دانند که اقدامی پشت آن صورت گیرد و پس از آن خیال مردم ئىمەد. , احتم

## •تاكنون اتفاق افتاده كهاز بيم اشاعه ترس، مرأتنكنيد حرفى بزنيد؟

، ر – ر کار .. منوقتی حرفی می زنم بااطلاع کامل استو به صورت علمی این موضوعات را طرح می کنم، وقتی وزیر می گوید ۱۸میلیون ایرانی دربافت فرسوده زندگی می کنند من جرات ندارم این حرف را خسودم بزنم چون مدرک ندارم سحبت نمى كنم اگر هم درباره اين موضوع حرفي بزنم حرفم را ارجاع می دهم به مقام مسئول. در موضوعاتی هم که درباره آن به وضوح حرف می زنم، مــدر ک دارم.

ین اعلام می کنم در ایران هر شـــبانهروز ۵۰ زلزله اتفاق میافتد برای این حرف مدر ک دارم . موسسه ژئوفیز یک هم می تواند آن را تأیید کند و می تواند تأیید کند حدود یک سوم این زلز له هاقدر تی به بزرگی ۴ ریشتر دارند. وستاهاى مادر مقابل إين قدرت بسيار بسيار آسيب يذير ر مدر ک نداشته باشم خودم زیر سوال می روم و مانندآن افرادى مے شود كه به بهانه هايے ، شلوغ مے كنند. ی خواهم نقبی هم به موضوعات اجتماعی بزنم، همین سیدپاشی(انگاه کنید، چقدر فضای کشور راملتهب کرده است. مااگر حرفی در زمینه زلزله تهران یا مناطق دیگر ست و اساسا دوست كشمور مىزنيم ازاين نوع بحثهانب ندار م بایم به جنب شلوغیازی هایی باز شود.

- رَّبَّةٍ بِمَالَّهُ بِعَيْنَ مَسْعَةٍ رَكَّمَتَيْ بِمُرْعَةً مَعْنَا اللَّهُ الْعَالَمُ الْعَالَمُ الْمُعْتَى موف شما بيشتر توجه شديا بعداز انقلاب؟ أَن موقع به حرفٌ هأى من زياد توجه نمى شـد اما من وظيفه داشتم خطرات را گوشــزد كنم. اما خوشبختانه

لان به حرفهایم بیشتر توجه میشود. اگر آن زمان به حن، ر - ۱۳۰۰ مربع کی در این موضوعات را شاهد حرفهای من توجه می شد بسیاری از موضوعات را شاهد نبودیم، آن زمان اگر گوش می کردند تهران را با برنامهای درست لوله کشی گاز می کردند و از همان زمان که شهر کوچک بود طرح ۱۱گـو۱ را به خوبی اجـــرا می کردند. آن زمان گوش نکر دندو وضع به شکل امروز ی در آمد

مهمترين موضوعي كهدر دلتان ماندهو كسى به حرفشماگوشنکردچیست؟

مر میشد. موری مرع پیست. من دادوفریاد، زیادز دم خوشبختانه همین دادوفریادها به تأسیس ستاد بحران انجامیداما هنوز اول کار هستیم تا این موضوعاتی که من مطرح کردم عملی بشود، به چند دهه زمان نیاز داریم. اما باید بیشـــتر عجله کنیم دارد دیر مے شود. مگر یادتان نیست زلزلہ بھ را؟ چرا یک زلزلہ ۶ ی در در تر تر جار ۱۹۹۰ مرز بر ۱۹۹۰ ور در و چنددهم ریشـــتری چند دمعزار کشته گرفت؟ چرا در ژاپن زلزله ۶۵ ریشتری۶ نفر را بیشتر زخمی نمی کند. ر بار رسماری دیگر را پیش رو قرار دهیم واز آنها درس باید کشــورهای دیگر را پیش رو قرار دهیم واز آنها درس بگیریم. بروید آلمــان را ببینید. فوق العاده مدرن اسـت. سوال می کُنّماز خودم و شــما چرا کشور سوییس که در لپ واقع شــده با آن جمعیت برای زلزله کشته نمی دهد نمىدھدُ ألبّ واقع شــده چراجنوب آلمان كهبسيار زلزلهخيز استبراى زلزله كشته بى بىدەد؟ چرابمماياشەرھاىدىگر ماوقتى زلزلەمى آيد ل لفات سنگین میدهد. من می گویم بیشتر باید بجنبیم. آن کسی که در راس کار است و بودجه در اختیار دار دباید بیشتر توجه داشته باشد که اگر ندارد یا اهل مقاوم سازی و ىت يا توجه ندارد. با بلاي آسمانى ناميدن زلز له يا بنهاني این اعتقاد را داشته باشیم و نتوانیم درباره آن حرف بزنیم، ين، مستر د مسيم و هيچ تلاشي انجام ندهيم. من بايد همه چيز را رها كنيم و هيچ تلاشي انجام ندهيم. من سنم ۲۸ سال اُسَت، از زندگی انتظاری ندارم اگر بحثی مطرح می کنم برای این است که فرزندان شما و فرزندان ينده اين آب و خاک در فضای امن زندگی کنند به خودم كەفكرنمىكنم؟ • يشنهادشماباعث تأسيس مديريت بحران شد.

گرفتن بودجه، تجربه و پرســنل ماهر، قدرت هلال احمر قطعااز تمام سازمان های غیردولتی برای این منظور بیشتر سنتی که مصداق آن در جبهههای دفاعمقدس اتفاق •طبق تعريف، عرف، روشــى فعلى ياقولى است

> ، به طرقی که یکی از آنها آموزشُ است، نهادینه شود به عرف تبدیل شــده است. عرف، خود را باز تولیا ت. عرف، خود را باز توليد

راههارا آموزش می دانم. •اگر موافق باشـید، هرم مز لو را دس مابه طرح آخرین سُوال مصاحبه امرُوز قُرارُ دهیم. آیامی توان گفت که شــرکت در کارهای داوطلبانه در رده نیاز خودشكوفايي افراد قرار مي گيرد كه لازمه تحقق آن بر آورده شــدن نیازهای ردههای پایین تریعنی نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، اجتماعی و احترام است؟ به عبّارت بهتر، می توانیــم نتیجه بگیریم که چون در جامعه ما در برخی موارد امکان ارضای نيازهاى اوليه شهروندان وجود ندارد، پس

میزان مشارکت و تمایل برای انجام امور داوطلبانه کماست؟ سوال بسیار خوبی است، کنش طلبانه بسیاری بودهاند که رخ داد هاء در حالی که حداقل نیاز های زیستی کنشگر بر آور ده نشــده بوده اسـت. اما اینها شکل ر کی ۔ ر صر . یکی است. اما اینها ش خاصی از کنش داوطلبانهاند. درواقع

> ۔ ـیار کارآتر اس نارد. اما این کــه ما می توانیم به عدمای بگویند که امروز امکان رسیدن بـه کنشداوطلبانه

برداشت شسمااز اقداماتی که در این زمینه انجام شدەحىست؟ . وجود سازمان مدیریت بحران از نبودش بهتر است. اما ىشكلاتى كەديگر اداراتماراتھديدمى كنداين سازمان را هم تهدیدمی کند. مدیرت براید - مرکز می - ک کر به مدیری که برای آن انتخاب می شود واقدامات انجام شده در آن بستگی به اعتقادات شــخص درباره بحران دارد اگر ی. فصص به کار گمارده شوند کار درست می شود ۔ ہھای متخ مطمئن باشــيد. در اول انقلاب، نخستوزيري در اختيار من بودجه قرار داد و گفت پایگاه در ست کنید. احساس کردنداین کار لازم است. من خدمت آقای هاشــمی هم فتم و پیشنهاداتی دادم زمانی که قرار شد راکتور دانشگاه تهران راماندازى شوداز من مشورت خواسته شد ومن اعلام

ئردم،فلان نقطه بايدراكتور ساخته شود.براى راكتور هاى اتمى هم پيشنهاددادم بهتر است در مركز ايران واقع شوند بادر سـاحل كه بوشهر بر همين اسـاس انتخاب شدو به حرفُهای یک متخصصُ گوش دادند. اگر در این سازمان هم متخصصین به کار گمارده شوندو پیشنهادات آنها اجرا شودوضع بهتر خواهدشد.

## . وزلزله بحرانزاست؟

ــتما هســتيم كهاز زلزله بحران زلزله بحران زانيد درست می کنیم. به این نکته خوب توجه کنید که شهر تهران، از بدو تولد تا کنون حدود ۶۰ شـهردار داشـته ست کدام این شهر دارها وظیفه شـــناس بودهاند و چرا آنها برای مقاوم سازی شــهر تهران اقدامی نکردهاند توسعه آن را اینچنین پیش بردند ما باید این سوال ها را ر ازشهرداران تهران بپرسیم،شهر تهران آسیب پذیراست باید از ۲۲۰ سال پیش تا کنون این شهرداران بودند که برنامه درستی برای تهران می داشتند. هیچ کدام از ما مقصر نیستیم. من هم دادو فریاد کردم شما هم منتشر می کنیدامالفرادی که بر مسند هستند بایداقدام کنند سی سید مداردی - بر شهرداران می باید متخصص باشند نه تنها باید شهردار باشند که باید شهرشناس باشــند. وقتی کار به این جا رسیدہ یعنی آنھا باید پاسے دھند من می بینم شھر تھران به صورت غیرعلمی گسترش پیدا کردہ است. وقتی می بینم شیراز آسیب پذیر است یا تبریز و مشهد؛ این شهر داران هستند که باید مسئول شناخته شوندمن که شهردار نبوده. ما وظیفهمان این است که داد بزنیم شما هم که اطلاعرسانی می کنید پس ما تا حدودی کار خودمان را انجام دادهایم، به هر حال باید بیشــتر کار كرداین اتفاقات بلای آسمانی نیستنداگر بخواهیم این موضوعات را به گردن خدا بیندازیم یعنی این که تقصیر و کم کاری خودمان را به دوش مقدسیات انداختهایم ماشــکال داریم و سـهل انگاری خود را بــه گردن آنها میاندازیم من آدمی میشناســم که شــب میخوابد و صبح بیدار می شود و حرفهای عجیب و غریبی میزند.فکر می کند کار در زمینه زلزله،جادو گری است. جادوگری بوداما هزار سال پیش. بار ها به من گفته است . ر ( ( , ( , ( , ( , ) ) , ) , ( , ) ) منراتاً یید کن. گفتهام اگر توراتاً یید کنم به مردممو به کشور مخیانت کردهام.

مهدىجيناك کودکان حتمی اگمر از بحرانها دچار آس از مهمترین شاخصهای توسعه یافتگی هر وندممكن استاز نظر روحى کشور، میزان آگاهی و مشار کت مردم در مسائل فيزيكى هم نش ستور، میزران ناهی و مسائل اجتماعی ، بهویزه در شرایط بحرانی یک جامعه است. در این میان مشارکت مردم ضامن اجرای برنامههای آمادگی و کاهش خطرات است. از سوی دیگر ارتقای آگاهی همای عمومی جز با و روانسی و زندگی آینده دچار مشــکلات جدی شوند. از همین رو لازم است والدین، سر پرستان و دستاندر کاران مدیریت بحران هنگام وقوع بحران هــــ توجـــه ویژهای بــه مســـالل کودکان بحاد بستر مناسب و انحام آموزش های لازم دربارهبر نامههای آموزشی میسر نمی شود. وجود آموزش همگانی باعث می شود که مردم

به عنوان بازوان اجرایی مدیران بحران عمل کنند. آموزشهای همگانیی میتواند در تمامی

ســطوح جامعه و نیز در تمامی مراحل مدیریت بحران شــامل آموزش، آمادگــی، کاهش خطر،

مقابله و باز سازی مدنظر قرار گیرد. بنابراین برای

، مقابله باخطرات و خسارات ناخوشایند حوادث و بحرانها، می توان به گامهای آموزشــی نظیر

ارتقای سطح آمادگی، شناخت و ادراک صحیح مردم،اشاره کرد.

رحمامدر ، در . بحرانها گروهای مختلف سنی را به اشکال ختلف تحت تاثیر قرار می دهنـد. کودکان به

آموزش؛ راه کاهش اثرات بحران بر کودکان

. واکنش کـودکان بـه بحرانها نیز یکسـان نیست. آنها به نسبت سـن، میزان بلوغ فکری، شرایط اجتماعی، میزان آسیب دیدگی از بحران، جنسیت، تجرب و شخصیتشـان رفتارهای متفاوتىازخودنشان مىدهند.

ر کار بر مطالعات نسبتا خوبی در دنیا در این خصوص انجام شــده اســت ولی مطالعات انجام شــده در کشــورهای دیگــری در کشــورهای دیگــر لزوما نمی توانــد مبنای مناســبی بــرای برنامه ریــزی و تصمیم گیری در یک کشور باشــد از این رو بهتر است در هر کشــور مطالعات خاص خود صــورت پذیرد تا بتوان سُیاست گذاری های دقیق تــری در این ، داشت تــا راهکارهایی مناب کاهش اثرات بحران بر کودکان در وقایعی ناگوار به کار برد.



### ادامه از صفحه ۹

# همزيستي مسالمت آميز بابحرانها

. آموزش و در

اين نكتهمسلماست كهبدون شناخت هريديده، ی سازگاریو تطابق باآن دور از دسترس خواهد بود. پسجامعهمابرایشناختن مخاطراتی کههستی

، مواردی قانون است، قانون بیشتر رویکرد اجبار و کاربرد مشروع زور است که امروزه کمتر گزینه اول دولتها برای حاکمیتبخشی به یک رفتار و

کُنش عقلائی اُست و از این رو دولت ها بیشتر دُر پی آن هستند تا کنش ها و رفتار های تجویزی

بی ان مستنده و مستند و مردم در جامعه به خود را بیشتر از طریق آموزش مردم در جامعه به انجام رسانده و رسمیت بخشند. اگرچه آموزشی

انجام رسانده و رسمیت بخشند. اگرچه آموزشی که بتواند رفتارهای اجتماعی را بهبود بخشــیده

و کنشهای معقولانهتر را سبب شود، به کندی حاصل شـده و تدوین برنامههای بلندمدتی را

طلب می کند. آموزشی که نگرش مردم رادگر گون ساخته، درک آنان را عمیق تر و رفتارشان را بهبود

آموزشهای همگانی در حیطه سوانح با هدف

فرهنگ ایمنی و پیشگیری به انجام میرسد. اگر مخاطب ما همه اقشار جامعه باشند، دسترسی

به آنان یا از طریق رســانه های ممکن اســت یا از

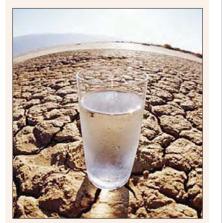
طریق نهادهای فراگیر آموزشیی مثل مدارس و

. بابی به جامعه ایمن و امن و در راستای تحقق

وسلامتشرا تهديدمي كند، نيازمند

دانشگاهها. در چارچوب کاری هیو گو این رویکرد مهم و کارساز این گونه مورد تاکیدقرار گرفته است: «آموزش و پــرورش: تر کیب یا وار دنمودن کاهش خطر پذیــری بحران ها در قســمتـهای مر تبط طرحها و برنامه های آموزشی میدارس در کلیه سطوح همچنین استفاده از کانال های رسمی و غيررسـمى بهمنظور در دسـترس قراردادن و مطلعنمـودن جوانان بااسـتفادهاز اين اطلاعات است.ارتقاءويكپارچەسازىعواملموثردركاھش . سیب پذیری ناشی از بحران ها همانند یک عنه اصلی ذاتی در آموزشهای ۱۰ساله سازمان ملل متحدبهمنظور توسعه پايدار.»

بر این اسـاُس اتخاذ رویکردهای جامعی وزش همگانی بـا بهره گیری مناسـب از ظرفیت آموزشی کشور (دانشـگاهها و مدارس) و رسانه ملی (صداو سیما) می تواند راهگشا بوده و موخته های مردم را در بلندمدت در قالب فرهنگ یمنی و پیشـگیری شـکل دهد. تمرکز ویژه بر مدارس می تواند مخاطبان (دانش آمـوزان) را به پیام آوران راستین ایمنی و پیشگیری بدل سخته و به گسترش این مفاهیم در جامعه کمک کند. سختن جامعه ای امن وایمن تنها با آموزش فراگیر سور است. ۔ مردممۂ



افتاد، وجود ندار دو عدهای معتقدند که این امکان هنوز قابل حصول است. کنش داوطلبانه سنتی، کنشگرانی را بهبار می آورد که بی آن که به خــود فکر کنند، وارد یک ی ورب به بی ن به به سود. آیا حالتی بالاتر از این وجود یم آن را دارد که فرد، چای خود را بر کف دست بگیر دو به نبرد بادشمن رود، در حالی که خودو خانوادهاش نتوانسته اند حداقل نیازهای زیستی شـــان را بر آورده سازند؟ بقای

ت، پايين ترين سـطح هرم مزلوست. اما فرد حاضر ت که برای ورود به يــک کنــش داوطلبانه حتى حبات ابتدایی ترین نیازهای خود را نیز نادیده بگیرد. بنابراین درمور دهمه کنش های داوطلبانه نمی توان از این تحلیل استفاده كرد در شكل خاصى از كنش داوطلبانه، آدمها عاشــق كنش داوطلبانه ه تند اما در جهان مدرن امروز چنین شکل هایی از کنش وجود ندارد. به ویژه در جهُانُ غُرب، این نوع کنش، یعنی کُنش دگر خواهانه ای که در آن هیچ سطحی از نیازهای فردی دخالت ندارد، امکان بروز و ظهور نمی یاب۔داگر امیدی به بروز چنین . درزمینههاییاست کههنوزبهبرخی از ارزش های جهان سنت وصل اند. ما این جمله را زیاد شنیدهایم: «ترویج فرهنگ ایثار و شهادت» که به معنای ترویج شکلی از کنش داوطلبانه است که به ارزش های بهان سنت متکی است. در جامعه مدرن که مبتنی بر . پې ن اخلاق و ارزش های جهان س اخلاق و ارزش های جهان سنتی نیست، می توان از تحلیل مزلواستفاده کرد. در این حالت، تازمانی که نیازهای اولیه کنشگر برطرف نشود، اصلامیلی به ورود به کنش داوطلبانه ندارد. بنابر این می توان نتیجه گرفت كەدر جوامع غربى كەشكل كنش داوطلبانەمدرز

• • آیا می تـوان چنین جمع بنـدی کرد که با توجه به این کـه جامعه ما در حالت کنا توجیبایی حیایتها موجود گذار است، هر دوی این حالتها وجود دارد، یعنی بخشی از کارهای داوطلبانه کاملامعنوی است وبخشی بعداز بر آورده شدن نیازهای اولیه فرد، عینیت پیدا

بسیار بیشتری از ما دارد، نیازهای پایهای برطرف ش

مے کند

بله و مــا به هــر دوى اين نوع كنشها نياز داريم. هم کنشهایی که به ارزشهای جهان سانت متکسی و یے نہایت کار آ ہسےتند و ہے به کنش های داوطلبانه جُهان به مسینی ـرای اینکـه کارهای گروهـی، انجام بگیـرد. گیدنز معتقد است که خودشکوفایی بخصبوص جواميع مندرن متاخر اس يعنى جوامعى که مرحله مدرنشــدن را یشت سر گذاشتهاند.در این جوامع، کنش داوطلبانه، شکلی از خودشکوفایی

که در نفوس، رســوخ یافتــه و طبایع ســلیم آن را می پذیرند. بامبناقرار دادن این مفهوم، آیامی توان می، پر دند بینا کر دادی پی مهر به بینی ون مشار کت در امور داوطلبانه را به عرف تبدیل کرد؟ اگر پاسخمثبتاست، چگونه؟

می توانم بگویم که تقریب در تمام طول مصاحبه همه مدف من این بود که روشــن کنم چگونه می توان کنش داوطلبانه را به عرف تبديل كرد. عرف زمينهاي است كه دوطبیده را به عرف بنیدیا کرد. عرف میشای است نه در آن پدیدهای اجتماعی نهادینه می شوند. یعنی جایی که آدمها بدون کنترل بیرونی (خلسواده گروه همتایان) مدرســه، دولت و..) برخی کنش ها را مدیریت می کنند. بنابراین اگر کنش های داوطلبانه در وجود کنشگرهای مىكندىغنى همان چيزى كەشما گفتيد،وقتى چيزىدر ـى ـــدىسى مىس چىرى مىسم ىغىيدەودىي چىزىدر نغوس،رسوخمىيابدەدرونى شدەاست.بنابراين پاسخمن بەسوالِ شمامثبتاستودرموردچگونگى كارھم يكىاز

ی رسی رسی مراد . مااکنون تحلیل نظریــه مزلو را در زمینه ایرانی انجام میدهیم

و مثالهـای بیشـماری داریم که در آنها رخ دادن كنش داوطلبانه منوط به بــر آوردن نيازهاي زیستی نبودہ است۔ بــه همیــن دلیـل ، میگویسم بیسن دو نـوع کنشداوطلبانه، نوعی که بس بر ارزشهای جهان سنت اتکا این کنش دست پیدا کنیم یا نه جای بحث دار د. ممکن است

به همين دليل مادر كارهاي گروهي علمي، ورزشي

داوطلبانهمحسوبكرد؟

عادی اولوبیت می باید و انسیان ها برای عضو شیدن در گروههای داوطلبانه معیارهای جایگاه اجتماعی، طبقه رز را کنار می گذارند. به همین دلیل است که کنش داوطلبانه با هم متفاوتند. در کنش های عادی این تفاوتها از این که

، رونید شیکل گیری و تقویت سیازمان های داوطلبانەدر كشورمانراچگونەارزيابىمىكنيد؟ ـای آمــار در چند ســال اخيــر، بــرای تقويت كنشداوطلبانه، نهادهـاي زيادي درقالـب انجمنها يا ت. من اطلاعي از سازمان های غیر دولتی ایجاد شده ا پژوهش های انجام گرفته درمورد سازمان های مردم نهاد نــدارم. ولی تصورم این است. که تأثیر مثبتی داشته و دست کم افراد را متوجه مزایای کنش هـای داوطلبانه كرده است. ولى اين كه تا چه حد به استقرار نهادى اين نوع كنشهاه می سد که مابرعکس عمل کردهایسم، بدین صورت که ابتدانهاد یاموسسه را ایجاد کرده و بعد به افراد گفته ایم در این سازمان ها کار داوطلبانه را فرا بگیرند. در حالی که اس برین ست ندار ایند به سهرودن امورنی نمیم ته کار داوطلبانه چیست و بعد آنها خود در جریان فهمشان از چیستی و مزایای کنش داوطلبانه آن نهادهارا تشکیل دهند اما با همه ایسن اوصاف حتی این اقدام برعکس هم باعث شده که مابه ارزش چنین کنش هایی پی سریم اقدامات سازمان هلال احمر به عنوان مبد أاصلی پیدایت و بروز فعالیت های داوطلبانه در اچطور

اتفاق افتادةمی توانستیم، به سازماندهی احساسات جمعی برانگیزاننده کنش های داوطلبان بپردازیم، هلال احمر نقش مهمی در نهادی کردن کنش هـای داوطلبانه دارد. هلال احمر می تواند آموزش دهنده فوق العاده ای باشد. چون دارای تجرب متراکمی از ساماندهی کنش های

کنشگر وجودداشته باشد، کار آیے کار های گروهے مضاعف می شود. عقیم بودن کارهای گروهی در جامعه مانشانه این است که هنوز کنش های داوطلبانه مستقر به وجود نیامده

داوطلبانی مقطعی است. چنین تجربیاتی می توانند این سازمان را به مهمترین وموثر ترین نهاد در آموزش و جامعه پذیری کنش های داوطلبانه تبدیل کنند با در نظر

وهمحنين أنُكُب واقدام داوطُلبانه نيز در افر أدنهادينه نشده و…مشکل داریم. کار گروهی در جامعه سنتی چندان مهم نیست. اما در جامعه مدرن به دلیل این که اقتصاد، دانش به معنای خاص، کشاورزی و همیه حوزهما تخصصی

ناوطینامعقرب در : قطعاموجب تسری تعاملات اجتماعی خواهد شند. قشر های مختلف صر دمر در بران کار گروهسی قارغ از این که به کسدام پایگاه اجتماعی تعلق دارنسد، یکدیگر را ملاقات میکنند در این حالت، کنش داوطلبانه بر کنش کارآیی کارگروهی رامضاعف می کند چون افزایش تعامل اجتماعی بین افرادی شکل می گیرد که به لحاظ اجتماعی

خودرو خود، سالمندان را تاجابي بر سانند، شكل كوچكي ەراددورھمجمعموند،جلوگیریمیکند از یک کار داوطلبانه است. وقتی این کار انجام نمی شود، نشان می دهد که کنش داوطلبانه در افراد نهادینه نشده و به رساری سرار سوعت بیایی میشد. در سوعی این این این وضع متناقض، نخست، خلاً آموزش به عنوان یکی از موثر ترین اقداماتی است که می تواُن از آن برای مستمر کردن انگیزه خلق کنشداوطلبانه استفاده کرد و دیگری بران معیره عنی عصارو نطبه مسعنه درو ویتری بیاخلاقی وبی هنجاری ناشی از اسارت دروغع گذار است. قضاوتهای اخلاقی وارز شمدار انه مارا به سمت کنش های داوطلبانه سوق می دهد در حالی که قضاوتهای فردی و شخصی مبتنی بر عقل محاسبه گر هیچ گاه شهروندان را حتی به مرزهای کنش داوطلبانه نیز نز دیک نخواهد کرد. •به نظر شـما مزايـاي كنـش داوطلبانـه از بعد کر جامعه شناسانه بخواهم به این سوال شما پاسخ اجتماعی در

صُلبراين است كه در ابتدابه شهروندان آموزش دهيم كه

پید میسی و بر در در ارزبابیمی کنید؟ اگر هلال احمر نبود مادر هیچ یک از حوادثی که تاکنون

.ده، هنوز مشخص نيست. به نظر